

باد خزان

درباره‌ی غلامحسین درویش

فرهود صفرزاده



نشر
فنجان

تهران
۱۳۹۴

www.ketab.ir

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

بک

ویراست فهرست نویسی

یادداشت

اددات

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی

صفرزاده، فرهود، ۱۳۴۸-

باد خزان: درباره‌ی غلامحسین درویش / فرهود صفرزاده.

تهران: نشر فنجان، ۱۳۹۴.

۱۹۲ ص؛ ۱۳/۵×۲۰/۵ س.م.

هنر. موسیقی ایرانی؛ ۲.

مجموعه‌ی زمرد؛ ۲.

۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۱۲-۱-۶

قیما.

کتاب‌نامه.

نمایه.

درویش، غلامحسین، ۱۲۵۱-۱۳۰۵.

موسیقی دانان ایرانی - سرگذشت‌نامه.

ML ۴۱۰/۵۴ ب ۱۳۹۴

۷۸۹/۰۹۲

۴۰۸۹۴۶۰

فرهود صفرزاده	نویسنده
محمد افتخاری	ویراستار
فرامرز همایونی	نمایه‌ساز
حسن کریم‌زاده	طراح جلد
انوشه صادقی‌آزاد	ناظر چاپ
اول، زمستان ۱۳۹۴	نوبت چاپ
شادرنگ	چاپ و صحافی
۱۰۰۰ نسخه	تیراژ
۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۱۲-۱-۶	شابک

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه
استفاده از عناصر تصویری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر
رأیی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.



تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۳۴۴ تلفن ۰۹۱۹۸۰۰۱۰۰۵
fenjanbooks@gmail.com

پیش‌گفتار یازده

سرگذشت و سرنوشت

۱	تهران قدیم و دارالفنون
۹	شعاع‌السلطنه و تارنوازی
۲۸	انجمن اخوت
۳۹	نواوری
۴۹	نیکوکاری
۵۴	ضبط صفحه
۷۳	معلم موسیقی
۸۲	مرشد اخلاق
۹۰	باد خزان
۹۵	بزرگداشت‌ها

نوشته‌ها

۱۰۹	مراسم جشن و نمایش
۱۱۰	درویش هم رفت

۱۱۶	تفصیل واقعی اسفناک
۱۱۷	در مدرسه‌ی موسیقی
۱۲۱	هفته‌ی درویش
۱۲۳	جله‌ی درویش
۱۲۶	صورت نطق
۱۳۰	نتیجه‌ی اقدامات کمیسیون به یاد درویش
۱۳۱	کمیسیون به یاد درویش
۱۳۲	موسیقی در ایران
۱۳۶	بدایع درویش خان در موسیقی ایران
۱۳۹	مرحوم آلامه سین خان درویش

سندها

۱۴۴	نامه‌ی گزارش تصادف درویش خان
۱۴۶	گزارش تصادف درویش خان

سروده‌ها

۱۴۹	ماده تاریخ (بحی دولت آبادی)
۱۵۰	مثنوی زهره و منوچهر (ابرج میرزا جمال‌الممالک)
۱۵۰	قطعه (پرتوعلی)
۱۵۱	ماده تاریخ (غلامعلی فکری)
۱۵۱	به مناسبت هفته‌ی درویش خان (غلامعلی فکری)
۱۵۲	تاریخ فوت درویش خان (یکی از فضلی معاصر)
۱۵۳	مرثیه (حسن وحید دستگردی)
۱۵۴	ماده تاریخ (حسن وحید دستگردی)
۱۵۴	سنگ قبر (شکوهی)

گاه‌نامه

۱۵۷	گاه‌نامه
۱۶۳	کتاب‌نامه
۱۶۹	نام‌نامه

پیش‌گفتار

بادِ خزان وزان شد
چهره‌ی گل‌نهان شد
وہ چه کنم از غم بی‌قراری
رویم از این ورطه‌ی جان‌سپاری

شغل و حرفه در دوره‌ی قاجار به صورت وراثتی منتقل می‌شد. پسر آهنگر، تاجر، کاسب و یا هر پیشه‌ی دیگری راه و کسب‌وکار پدر را پی می‌گرفت. این قضیه در مشاغل درباری اهمیت و حساسیت ویژه‌ای داشت و معمول بود که پسر با اهدای پیشکشی و هدیه، به مقام پدر و گاه بالاتر از آن گمارده می‌شد. موسیقی نیز «عمومیت نیافته بود». در خانواده، هنر از پدر به پسر منتقل می‌گردید و جمع افراد این دسته که از سه فامیل تجاوز نمی‌کرد، با هم مرتبط بودند و دستگاه طرب‌شاه را تشکیل می‌دادند. این دستگاه خانواده عبارت بود از آقاعلی‌اکبر [قراہانی] و آقامحمدصادق خان [نواز]، آقامحمد [ک] و [حبیب] سماع‌حضور» (امیرجاهد: ۵۸).

درویش‌خان هیچ پیوند نسبی یا سببی با نوازندگان و هنرمندان دربار قاجار نداشت و نمی‌توانست به عنوان عملی طرب‌خاصه به دربار راه یابد. وضعیت برای امرار معاش و گذران زندگی‌اش در دستگاه و درب‌خانه‌ی شاهزادگان، در اشراف نوازندگی کرد و به تدریج توانست به عنوان نوازنده‌ای خوش‌فکر، متبحر، مستقل و پیشرو به اشتهار برسد.

امروزه نام درویش‌خان در تاریخ موسیقی ایران به عنوان نوازنده‌ای نوآور و آزاد، هم‌طراز با مشهورترین و زبده‌ترین نوازندگان دربار قاجار، به نیکی ماندگار

شده است. آثار هنری، نوگرایی‌های بجا و خصایص اخلاقی‌اش نام و یاد آن تک‌درخت تناور موسیقی ایران را جاودانه و نامیرا کرده است.

برخی اصرار دارند که بی‌هیچ دلیل و استنادی درویش‌خان را هنرمندی با جهت‌گیری سیاسی و اندیشه‌ی اجتماعی معرفی کنند، در صورتی که او از دعوای سیاسی روزگارش گریزان بود و فروتنانه توانسته بود دو کفه‌ی ترازوی هنر و اخلاق را در زندگی‌اش به تعادل برساند. درویش‌خان هنرمندی با شرف و با صفا بود که هنرش با او در راه مهربانی و همدلی با انسان‌ها یار بود و قابلیت و توانایی یافته بود تا زندگی مهرآمیزی با هم‌وطنانش داشته باشد. او از آن دسته هنرمندان نبود که موسیقی را دوست دارند، چون هیچ‌کس را دوست ندارند.

نام درویش‌خان را نخستین بار در دوره‌ی نوجوانی‌ام شنیدم. ترکیبی متناقض از درویشی و خانی! تصویری از او ندیده بودم. هنگامی که عکسش را اولین بار در کتاب سرگزشت موسیقی ایران دیدم، با آن تصویر متناقضی که در ذهن و تصورم ساخته بودم فاجعه داشت. به صورت، درویشی بود بی‌آلایش و رنگ رخسار خبر می‌داد از سیرت درویشی‌اش، ولی در صورت و سیرتش اثری از خانی ندیدم. گریزان بود از ناراحتی‌ها و دله‌ها و سلطنه‌های قجری.

مخلص کلام آن که نام -درویش‌خان- ترکیبی است خوش‌آهنگ و خوش‌نما؛ نخبه‌ای که صاحب منصب درویش -در سلوک اخلاقی است و دارای مقام خانی در موسیقی. آموزه‌ای بی‌نظیر و بی‌بدل از درویش بودن در زندگی و خان بودن در موسیقی، می‌شود درویش‌خان! درویشی که -ایگاه خانی هم دارد و خانی که از درویشی غافل نیست.

جامعه‌ی موسیقی ایران امروزه از نادرویشی و بی‌اخلاق، رنج می‌برد و امیدوارم این کتاب تا حد امکان بتواند دریچه‌ای از منش اخلاقی و انسانی درویش‌خان را پیش روی هنرمندان و علاقه‌مندان بگشاید. البته در موسیقی و هنر او هم غفلت نشده و مرتبه‌ی والایش بر همگان هویدا و روشن است. درویش‌خان الگویی است شایسته در اخلاق و سرمشقی بایسته در موسیقی.

جای خرسندی و قدردانی است که ناشری فهیم و ویراستاری باریک‌بین، شکل و محتوای کتاب را با قبول مسئولیت و شکیبایی به سرانجام مطلوب رساندند.